



مطالعه جامعه‌شناختی اعتصابات کارگری در

واحدهای صنعتی شهر تهران

(۱۳۶۸-۱۳۷۲)

● ابراهیم حاجیانی

شکل‌گیری مناسبات صنعتی به‌عنوان نوع جدیدی از روابط کار بعد از انقلاب صنعتی و در اثر مجموعه تحولات فکری، حقوقی، فلسفی، اقتصادی و صنعتی نمودار شد. در پی این تحولات زمینه مناسب برای دخالت افزون‌تر دولت در روابط کار مهیا شد و دولت نیز، به‌عنوان عنصری مؤثر، در کنار مدیریت، کارکنان، تشکلهای کارگری و کارفرمایی ایفای نقش کرد. علی‌رغم تغییرات قابل توجهی که در جهت برقراری روابط نسبتاً متعادل صنعتی و در جهت شکل‌گیری زمینه‌های صلح و آرامش نسبی در محیط کار، و برقراری انضباط صنعتی، استقرار دموکراسی صنعتی، روابط کاری متعادلتر، تفاهم تقریبی بیشتر بین کارگر و کارفرما و نهایتاً حل پارهای از اختلافات فی مابین کارگر و کارفرما ایجاد شده بود. پایه‌های روابط متعارض و تضاد بنیادین کارگران و مدیران یا کارفرمایان در یک نظام صنعتی همچنان طیف وسیعی از تعارضات دامن می‌زد. این روند، در سایر جوامع نیز همواره پایدار مانده است. به‌همین سبب است که علل ساختاری و اساسی موجدۀ تعارضات در مراکز و روابط صنعتی امری پایدار بوده و هست. اما به تدریج، شکل و ماهیت این تعارضات، به‌ویژه در جوامع پیشرفته صنعتی، به‌صورت چشمگیری متحول گردید.

در این بستر چالش‌آمیز، تعارضات اولیه، عمدتاً در قالب انواع رفتارهای اعتراضی، خشونت‌آمیز، واکنش‌های سرکوبگرانه، مذاکرات

مفصل، اعتصابات و انواع فعالیت‌های دستجمعی شکل گرفته، و معمولاً در راه تثبیت و شناسایی حقوق کارگران به‌وجود می‌آمدند و جنبش‌های کارگری گسترده‌ای مثل جنبش کارگران در «لیون» فرانسه، جنبش «چارتریسیم» در انگلستان و اعتصابات سراسری کباوگران در روسیه به‌راه افتاد. (۱) در حقیقت، کارگران می‌خواستند با استفاده از تجربه‌های خشونت‌آمیز و با ایجاد اختلال در کارها و ایستادگی در روند تولید، کارفرمایان را وادار به قبول خواسته‌های خود بنمایند و از آن زمان تاکنون یکی از عناصر ثابت و فعال در واحدهای صنعتی تعارضات خاص این‌گونه محیط‌ها بوده است.

در کارخانه، به‌عنوان یک نظام اجتماعی، انواع و اقسام تعارضات را می‌توان مشاهده کرد، از آن جمله‌اند: اعتصابات، تظاهرات (Demonstration)، خرابکاری در محل کار (از کارانداختن وسایل و تجهیزات کارخانه و به‌وجود آوردن ضایعات و خسارات، Sabotage)، غیبت (Absence)، محدودیت و کاهش تولید (put out restriction)، شورش (Riots)، بسته شدن کارخانه (Look out)

که راه‌های غیر مسالمت‌آمیز هستند و یا به‌صورت‌های مصالحه‌آمیز مثل چانه‌زنی فردی (Individual) و یا چانه‌زنی دستجمعی (Collective Bargaining) منشاء اکثر تعارضات یا ناآرامی‌های صنعتی (Industrial unrest) ناراضی‌آینی و ناخشنودی شغلی کارگران است. (۲)

مفهوم شناسی اعتصاب

اعتصاب یکی از معمولی‌ترین روش‌های بیان تعارض در واحدهای صنعتی است. به این روش به‌عنوان یک حرکت گروهی، قواعد رفتار جمعی حاکم است. ویژگی اساسی اعتصابات، داشتن خصلت دستجمعی، تعطیل موقت کارگاه، توقف خط تولید در ساعات کاری، برخورداری از حداقل خصائص تعارض‌آمیز، داشتن هدف معین و نیز تعطیل کار به‌صورت ارادی از سوی کارگران است. اعتصاب از حیث جامعه‌شناختی کنشی است که از سطح خاصی از «عقلانیت» برخوردار بوده و یکی از انواع پاسخگویی کارگران به شرایطی است که بر محیط کارشان حاکم است.

به‌نظر ریچارد هیمن (Richard Hyman)

اعتصاب تلاشی است که توسط کارگران و به صورت دستجمعی انجام می‌شود تا به میزان مشخصی از کنترل بر کار خود دست یابند. وی بر این نکته تأکید دارد که کشمکش‌های صنعتی، و از جمله اعتصاب، از ماهیتی عقلانی (در سطوح کفی مختلف) برخوردار هستند به این معنی که اعتصاب‌کنندگان در پی برتری و این محرومیت‌ها و نارضایتی‌های غیر قابل انکار آنان است که علت‌العمل مناقشات صنعتی را تشکیل می‌دهند. بنظر همین، اعتصابات معمولاً وسیله‌ای برای ترویج مکتوب از اوضاع حاکم بر کار، نمایش روحیه مهاجمانه و کوشش‌های خلاقانه برای ایجاد دگرگونی در شرایطی است که بر کار یا بر روابط استخدامی حاکم است.

بررسی اعتصابات کارگری نشان می‌دهد که مسائلی مانند حقوق و مزایا، وضع و شرایط کار، دفاع از حق سازماندهی (بخش تشکیلات کارگری و حقوق سندیکایی)، مقررات و قوانین کارگری، مسائل مربوط به کارفرمایان و مدیریت‌ها، مسائل پرستلی و صنعتی، تبلیغات و تحریکات احزاب و گروه‌های سیاسی و نیز همبستگی و لیاقت هم‌رندی با سایر کارگران از مهمترین علل اعتصابات کارگری بوده‌اند. (۲)

در شرایط کنونی، از نظر حقوقی، موضوع اعتصاب در اکثر قوانین کار به رسمیت شناخته شده است و نوعی رژیم حقوقی خاص تحت عنوان «نظام اعتصاب منظم شده» را می‌توان جستجو کرد.

بررسی نظری اعتصابات کارگری

وقوع و بروز اعتصاب و یا هر نوع تعارض بین کارگران و کارفرمایان در مراکز صنعتی و واحدهای تولیدی از گستره و دامنه وسیعی برخوردار است و تمامی جوامع با امواج اعتصابی روبه‌رو بوده‌اند به همین سبب، دیدگاه‌ها و تئوری‌های مختلفی برای تعیین اعتصابات به وجود آمده است که بسته به شرایط معرفت‌شناختی موجود در هر جامعه مطرح و صورت‌بندی شده است و البته هر کدام از زاویه‌های خاص به این موضوع نگریسته‌اند.

از تئوری‌های عام علوم اجتماعی می‌توان

بهره‌گیری شایسته‌ای جهت تحلیل اعتصابات به عمل آورد. به عنوان مثال، از طریق نظریه مبادله (Exchange theory)، به عنوان یکی از تئوری‌ها، می‌توان برخی از سازوکارها و فرایندهای منجر به اعتصاب را تشریح کرد.

از این دیدگاه، اعتصاب نتیجه نارضایتی کارگران از نامتعادل بودن نظام و نبود «عدالت توزیعی» در «پاداش» است.

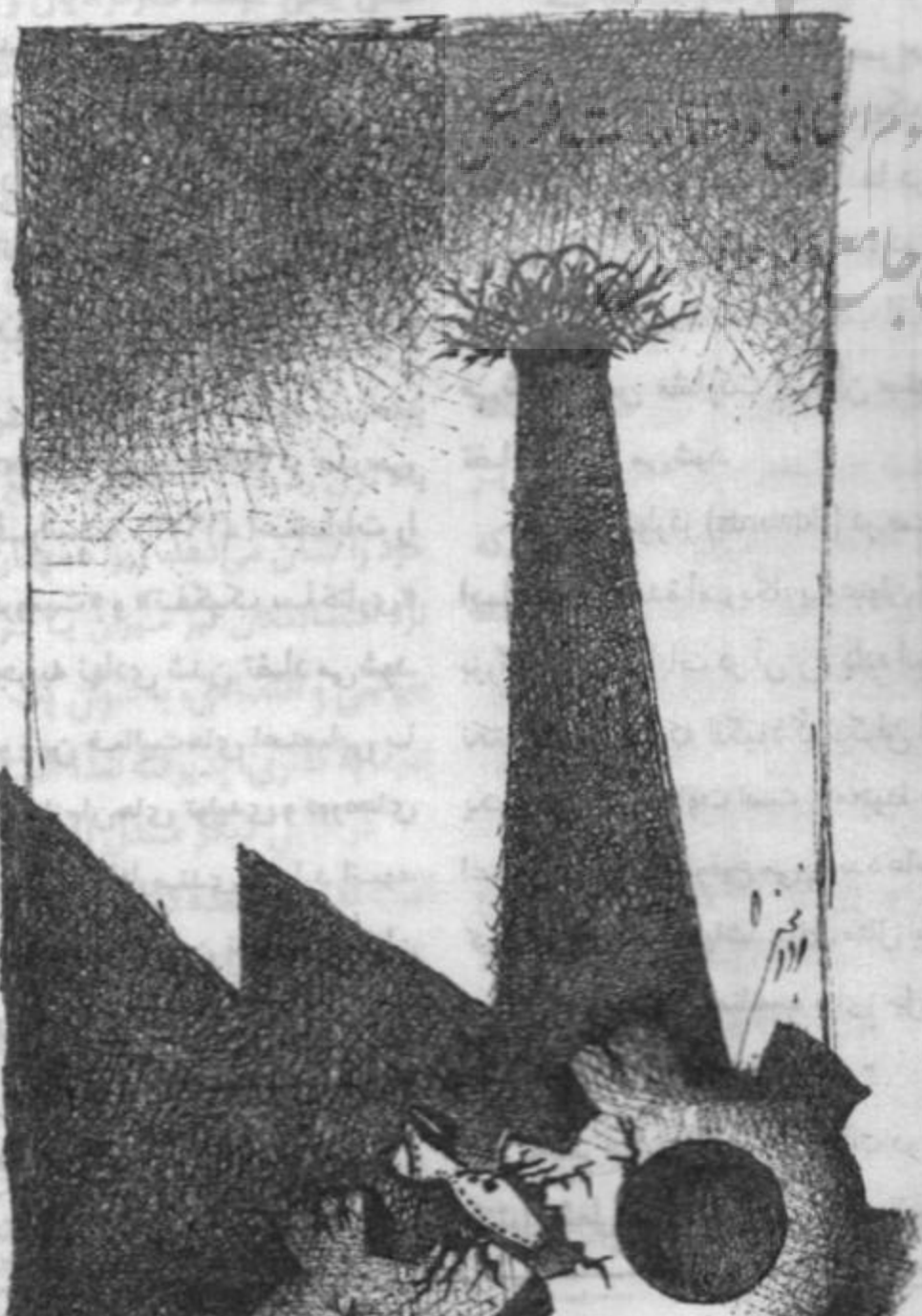
همچنین از منظر این تئوری، اعتصاب امری بدیهی است چون ریشه در ساختار قدرت و طبیعت نامتعادل مبادله، افول ارزش پاداش‌ها و اضمحلال مشروعیت و ماهیت و شکل ساختار قدرت در کارخانه می‌باشد.

بر اساس نظریه مبادله هنگامی که گروه در وضعیت منفی متعادل باشد جریان مبادله بین فرد و سازمان (کارخانه) نیازهای فرد را پاسخ نمی‌دهد و بنابراین فقدان پاداش مناسب و کافی موجب نارضایتی کارگران می‌شود. علاوه بر مسأله نابرابری در جریان مبادله، عدم اجراء عدالت توزیعی، حس عدالتخواهی فرد را برمی‌انگیزاند و او آماده اقدام به پرخاشگری می‌شود.

به نظر هومنز (Homans) در هنگام عدم ارضاء انتظارات، فرد براساس اصل «اهمیت پاداش» بتدریج از کار در گروه کناره‌گیری می‌کند و بنا بر ایده «صرفه جویی»، بدست آوردن پاداش‌ها را از طریق عمل دستجمعی، مثل اعتصاب، ممکن تلقی می‌کند. همچنین از دیدگاه نظریه تضاد (Conflict theory) می‌توان به بررسی علل پدیده اعتصاب که ماهیتاً تعارض‌آمیز است توجه نمود و ماهیت طرفین درگیر، وسعت، دوام، شدت، اهداف و فرایندهای اعتصاب را تحلیل کرد.

به طور کلی در چهارچوب نظریه تقابلی، بروز اعتصاب تابعی از شرایط نابرابر در توزیع منابع کمیاب است. حال هر چه کارگران از رشد و آگاهی بیشتر جهت فهم منافع حقیقی خود برخوردار باشند، مشروعیت الگوی موجود توزیع منابع بیشتر زیر سؤال می‌رود.

عوامل متعددی در شکل‌گیری و بروز و شدت‌یابی اعتصاب مؤثرند، از جمله: وجود از خود بیگانگی، امکان تبادل نظر میان کارگران، تمرکز کارگران در یک کارخانه و یا چند کارگاه نزدیک به هم، وجود فرصت‌های آموزشی و تحصیلی نیروی



انسانی شاغل در کارخانه، ایجاد طرز تفکر و ایدئولوژی واحد، میزان آشکارسازی منافع جمعی کارگران و ازدیاد محرومیت. همچنین از دیدگاه نظریه کارکردگرایی تضاد (Conflictfunctionalism) می توان به بررسی اهداف کارگران در هنگام اعتصاب، اجماع کارگران در خصوص هدف

● ۴۹٪ اعتصابات در صنایع مصرفی، ۱۱/۵٪ در صنایع سرمایه‌ای، ۱۵/۴٪ واسطه‌ای غیرصنعتی و ۱۴٪ در صنایع واسطه‌ای غیرصنعتی رخ داده‌اند.
● هدف اصلی این تحقیق توصیف و تبیین عوامل اجتماعی، اقتصادی و ساختاری مؤثر بر وقوع و شدت اعتصابات می باشد.

اعتصاب، وجود رهبری و توانایی‌های او، کارکردهای اعتصاب برای کارگران، افزایش همبستگی اجتماعی بین کارگران، انعطاف در ساخت اجتماعی کارخانه، ترغیب نوآوری و تنظیم مجدد روابط انسانی در کارخانه، تنظیم یک نظام هنجاری برای اعتصاب در کارخانه و کارکردهای اعتصاب پرداخت.

علاوه بر این گونه رویکردهای کلاسیک، مطالعات متعدد دیگری در حوزه جامعه‌شناسی پدیده اعتصاب انجام شده است که به قول رابرت مرتون می توان آن‌ها را «تئوری‌های با بُرد متوسط» نامید.

شورتز (Shorter) و تیلی (Tilly) در بررسی اعتصابات در فرانسه (۱۹۷۴)، اعتصابات را «محصول محرومیت» و «تفکیک ساختاری» دانسته‌اند که منجر به نهادی شدن تضاد می شود. همچنین این دو بین فعالیت‌های اعتصابی با ظرفیت اقتصادی سازمان‌های تولیدی و دوره‌های تکنولوژیکی (دوره‌های افزارمندی، تولید انبوه، علمی) ارتباط برقرار کرده‌اند. این نظریه پردازان معتقدند که تغییرات در زندگی سیاسی، بحران‌های سیاسی و اشکال سازمان‌های کارگری بر امواج اعتصابی (Strikes waves) مؤثر بوده‌اند. شورتز و تیلی دو دوره اعتصابات را در سال‌های ۱۹۰۰ تا

۱۹۲۹ و ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۸ را به‌سیله شاخص‌های فراوانی، از جمله مدت و تعداد کارگران اعتصابی در سیزده کشور صنعتی غرب مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که در دوره نخست، طبقه کارگر در کشورهای غربی، به شدت سیاسی بوده‌اند و این امر بر شدت اعتصابات اثر گذار بوده است. در دوره دوم نیز در فرانسه و ایتالیا اعتصابات جنبه سیاسی داشتند اما در انگلیس عمدتاً در قالب کنش‌های پارلمانتاریستی طرح شده‌اند. یک نتیجه مهم دیگر این تحقیق آن بود که: هر چه روند جدایی صنعت از سیاست بیشتر باشد (و فضا کمتر سیاسی باشد) اعتصابات از فراوانی و شدت کمتری برخوردارند. (۵) کورپی و شالو (Korpi and shalev) در بررسی تضادهای صنعتی سوئد، در دهه ۱۹۷۰، دلیل بروز تضادهای صنعتی در جوامع دموکراتیک را کنترل اجتماعی موجود بر کارگران، نحوه سازمان بندی قدرت در تعیین دستمزدها و درآمدها و شکل بندی اقتصادی و نیز سیاست اجتماعی مورد علاقه طبقه کارگر دانسته‌اند.

این فرضیات در هیجده کشور سرمایه‌داری دموکراتیک غربی مورد بررسی قرار گرفت و تا حدی تأیید شد. «شالو» همچنین معتقد است که نوع حکومت سیاسی و رژیم حزبی بر فعالیت‌های جنبش کارگری مؤثر بوده است. یک نکته مهم دیگر آن که مسأله ظهور تضادها در یک نظام، حاصل مشارکت سازماندهی شده در قدرت است. علائق گروهی مشترک موجب اقدام مشترک می شود. سپس مشارکت کارگران منجر به بروز تضاد صنعتی می شود.

تحقیق ادواردز (Edwards) در سال ۱۹۸۱ در ایالات متحده آمریکا، به عنوان کشوری که بزرگترین اعتصابات در آن رخ داده است، بر این نکته تأکید دارد که انگیزه کنشگران اعتصابی در یک اعتصاب متفاوت است و محیط سیاسی که اعتصابات در آن به وقوع می پیوندد عامل مؤثری در کیفیت اعتصاب می باشد. برای مثال نظام مذاکرات دستجمعی، سازوکار مناسب برای حل تعارضات و بحران‌ها در کشورهای غربی است.

به نظر ادواردز اکثر اعتصابات در آمریکا برای کنترل شغل می باشد که آن نیز به نوبه خود تحت

تأثیر ساختار صنعتی و ترتیبات چانه‌زنی صنعتی (Bargaining arrangement industrial) است. وی معتقد است که متغیر مهم در اعتصابات، مسایل سیاسی نیستند، بلکه نزاع‌های اساسی برای کنترل «محیط‌های شغلی» و «مکان‌های کاری» است و چانه زنی یا اعتصاب، بازتابی از کشمکش‌هایی است که برای کنترل رخ می دهند. به علاوه وی در تحلیل اعتصابات در آمریکا یکی از ویژگی‌های اساسی نیروی کارگری این کشور را گرایش به کاهش بیشتر همبستگی طبقاتی دانسته. وی علت مسأله کم شدن انسجام طبقاتی را نیز گستردگی جغرافیایی آمریکا، وجود کارگران مهاجر و مقیم سیاه و سفید تلقی می کند و البته بدیهی است که این مسأله به خودی خود بر اندازه و فراوانی اعتصابات مؤثرند.

به جهت سنت قوی و ریشه دار و نیز فراوانی زیاد اعتصابات کارگری، در انگلستان که خاستگاه مناسبات صنعتی بوده است، برخی کوشیده اند از آن با تعبیر «یک بیماری خاص انگلیسی» یاد کنند، به همین علت مطالعات متعددی در این کشور در مورد موضوع اعتصاب صورت گرفته است. از جمله این تحقیقات می توان به پژوهش نولس (Knowels) در ۱۹۵۲ در مورد گرایش یا تمایل به اعتصاب و اسمیت (Smit) در ۱۹۸۷ اشاره کرد.

● بیشترین فراوانی اعتصابات در صنایع ماشین آلات و لوازم خانگی (۳۱٪) و پس از آن «نساجی» بوده است. این امر حاکی از آن است که فراوانی اعتصابات در صنایعی بیشتر است که در اثر سیاست‌های جدید دولت دچار مخاطرات جدی در حوزه امور اقتصادی، مالی و فروش می شود.

این پژوهش‌ها دوره تاریخی اعتصاب طی سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۷۴ را مورد بررسی قرار داده‌اند. اسمیت نشان داده است که طی مدت فوق ده میلیون روز کاری از دست رفته است.

کورنین (Cornin) نیز که آمار اعتصابات از سال‌های ۱۸۸۸ تا ۱۹۷۴ را جمع‌آوری کرده است به



در ایتالیا اشاره نموده و بر آن است که تثبیت اشکال مورد پذیرش تضاد، طرح تقاضاها، ایجاد مقررات شکایت کردن و ساختار چانه زنی‌های دستجمعی (مسائلی مثل شیوه‌های مذاکره، توقعات در سطح صنایع و سطوح مذاکره کنندگان)، نوع اتحادیه‌ها و نوع صنایع اعتصاب کننده با فراوانی اعتصابات رابطه دارد. کنترل اتحادیه‌ها بر اعتصابات، اهداف سیاسی اعتصابات و فراوانی اعتصابات سیاسی نسبت به اعتصابات اقتصادی نیز مورد توجه وی قرار گرفته و به بررسی آن‌ها پرداخته است.

داشتن تعادل سیاسی ملی (ثبات سیاسی)،

وجود سیستم حزبی، نوع اجزای، درجه به هم

پیوستگی و انسجام کشور و وجود و یا فقدان سیستم

پارلمانی، بر روی موقعیت سیاسی طبقه کارگر و

فعالیت‌های جمعی آنان مؤثر است. در تحلیل

نهایی فرآیند بر آن تأکید دارد که علل اقتصادی

و دوره‌های خاص تجاری نقش مؤثری در تحرک

اجتماعی طبقه کارگر از جمله شکل‌گیری

اتحادیه‌های کارگری و بروز اعتصابات کارگری دارد

و این امواج اعتصابی است که با خود اشکال

جدیدی از تطابق و نهادینگی بین کنشگران

اصلی یعنی دولت، کارفرمایان و کارگران ایجاد

می‌کند. نویسنده آن‌گاه به تشریح واکنش

کارفرمایان ایتالیایی در مواجهه با امواج اعتصابی

در ایتالیا پرداخته و بر آن است که آنان با چندین

رویه برخورد کرده‌اند: خاتمه دادن به کار و انتقال

کارگران از یک بخش به بخش دیگر اولین واکنش

بوده است. مرحله دوم واکنش کارفرمایان به سطح

بالاتری رسیده و در کاهش سطح سرمایه‌گذاری

خود را نشان می‌دهد. زیرا همچنان که می‌دانیم در

نزد اقتصاددانان نیز میزان یا نرخ بحران‌های

سیاسی و اقتصادی، به عنوان یک عامل مؤثر بر

سرمایه‌گذاری، پذیرفته شده است.

در جایی دیگر مندل (Mandel) اشاره کرده

است که امواج عمده کشمکش‌های طبقاتی و امواج

رشد اقتصادی با یکدیگر مرتبطند. وی به ویژه بر

سازوکارهای محلی این رابطه تأکید داشته و معتقد

است اوج شرایط کامیابی اقتصادی و بهبود مطلوب

بازار، باعث فوران تضادهای صنعتی در حد وسیع

می‌شود. به دیگر سخن، بهترین دوره‌های موفقیت

دادن کار در شرایط اعتصاب، آن‌ها را کمتر وادار به فعالیت‌های اعتصابی می‌نماید. ناگفته نماند که این فرضیه که اعتصابات با شرایط اقتصادی مرتبط است قبلاً توسط آشنفلتر (Ashenfelter) و جانسون در آمریکا به صورت موقتی تست شده است و مشخص شده است که نرخ‌هایی نظیر

● در بررسی شدت اعتصاب لازم

است علاوه بر متغیرهای کلان در

سطح سیستم (کارخانه) به

متغیرهای درون سیستمی دیگر

نیز توجه شود.

بیکاری و تعدیل حرکت مزد واقعی در معادلات

رگرسیونی به میزان 79% ($R = 79\%$) قدرت توضیح

اعتصابات را دارند. همچنین بر این اساس گفته

شده است که شاخص‌های فصلی نیز بر

شاخص‌های اعتصابات مؤثرند؛ به طوری که

نوسانات دوره‌ای در فصول مختلف سال بر تعداد

اعتصابات تأثیر دارند. مثلاً مطابق تحقیق جانسون

حداقل فعالیت اعتصابی در تابستان می‌باشد.

وقتی که بیشتر کارخانه‌ها برای تعطیلات

تابستانی تعطیل می‌شوند علاوه بر بیکاری، نوع

شغل، مزد، شرایط بازار، شرایط چانه‌زنی، رشد

اقتصادی، ارزش پول، نزاع‌های بازار کار و رژیم

مناسبات صنعتی بر روی فعالیت‌های اعتصابی

(فراوانی مدت و اندازه آن) مؤثرند. فرآیند فرآیند

ادامه به نهادی شدن تضاد نیز در بررسی اعتصابات

تحلیل تأثیر توسعه اقتصادی بر دوره‌ها یا امواج

اعتصابی توجه کرده و بنوعی به تحلیل روابط علی

پرداخته است. وی بر آن است که شاخص‌هایی

چون تغییرات اقتصادی و صنعتی، اتحادیه‌گرایی

(Corporatism)، سطح تکنولوژیک کارخانه، و خود

آگاهی کارگران بر امواج اعتصابی مؤثر است. به

نظر می‌آید هر مرحله از توسعه، اقتصادی

ویژگی‌هایی دارد که در تکنولوژی، روش‌ها، نیروی

کار و شرایط زندگی مؤثر است و موجب تغییراتی در

آنها می‌گردد. بین دوران‌های توسعه اقتصادی و

امواج اعتصابی رابطه وجود دارد این تئوری بی‌وضوح

در بسیاری وجوه با نظریه تغییرات ساختی دورکیم،

که وی آن را موجب آنومی، بی‌نظمی و ناهنجاری

اجتماعی می‌داند مرتبط است.»

کورنین اعتصابات انگلستان را در چهار مقطع

زمانی بررسی کرده است که عبارتند از: دوره اول ۱۹۴۰ -

۱۹۴۰، دوره دوم ۱۹۵۳ - ۱۹۵۳، دوره سوم ۱۹۶۰ -

۱۹۶۰ و دوره چهارم ۱۹۶۹ - ۷۳ وی این مقاطع

چهارگانه را با استفاده از متغیرهای فوق تحلیل

کرده است. (۶)

در ایتالیا، روبرتو فرانزوسی (Roberto

Franzosi) اعتصابات نظام صنعتی این کشور را از

سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۸ مطالعه کرد. وی معتقد است

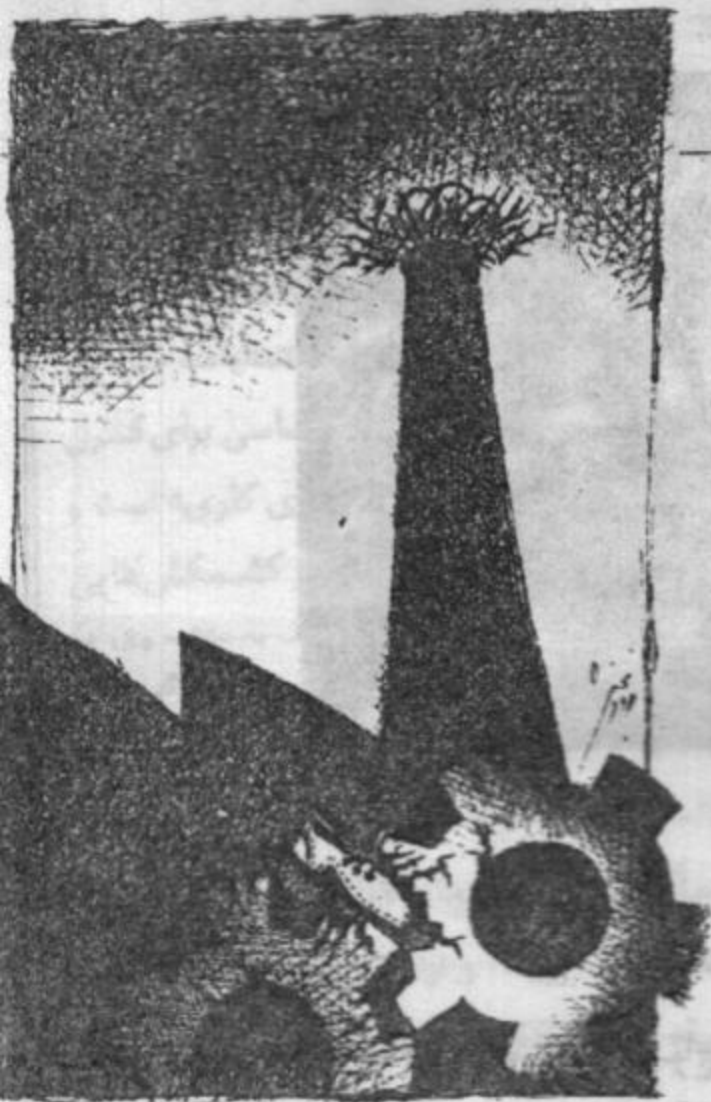
که نوسانات و تغییرات نرخ بیکاری (که به نوبه خود

تحت تأثیر شرایط اقتصادی موفق‌آمیز یا رکود

است) و نوع شغل بانرخ اعتصابات و طول مدت آن‌ها

رابطه دارد. به دیگر سخن، در شرایط بیکاری

کارگران آسیب پذیرترند و بنابراین ریسک از دست



اقتصادی به همراه خود اوج تضادهای صنعتی را دارد.

در مجموع در تئوری‌ها و پژوهش‌های فوق، اعتصاب به عنوان متغیر وابسته‌ای در نظر گرفته شده است که به وسیله تغییرات اقتصادی، نوع دولت، ساختار چانه‌زنی و موقعیت سیاسی طبقه کارگر در صدد بررسی آن بوده‌اند. همچنین این بررسی‌ها عمدتاً بر یکی از عوامل (معمولاً کارگران) متمرکز بوده‌اند و نیز هر کدام به قسمت‌های ویژه و جنبه‌هایی خاص از فعالیت‌های اعتصابی توجه کرده‌اند.

ملاحظات روش شناختی

بر اساس ضرورت‌های کاربردی و فقدان زمینه قبلی پژوهشی در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی صنعتی و مدیریت در ایران و نیز با توجه به اهمیت جامعه‌شناختی پدیده اعتصاب، به عنوان یک نمود رخ داده‌های تحقیق حاضر به بررسی اعتصابات کارگری در واحدهای صنعتی شهر تهران طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ پرداخته است. این تحقیق با تکیه بر مجموعه اعتصابات انجام یافته در این دوره زمانی در صدد ارائه توصیفی نسبتاً جامع از اعتصابات کارگری طی محدوده زمانی و مکانی فوق می‌باشد. هدف اصلی این تحقیق توصیف و تبیین

● نوع مالکیت، به تنهایی، در حدود ۳۱٪ از شدت اعتصابات را توضیح می‌دهد. در این تحقیق ثابت شد که اعتصاب در صنایع تحت پوشش سازمان‌های صنعتی و نیز بنیادها، نسبت به صنایع تحت پوشش بانک‌ها شدت بیشتری داشته‌اند.

عوامل اجتماعی، اقتصادی و ساختاری مؤثر بر وقوع و شدت اعتصابات می‌باشد. همان‌گونه که می‌دانیم موضوع اعتصابات کارگری از ابعاد مختلفی همچون بعد اقتصادی، حقوقی، مدیریتی، سیاسی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی قابل بررسی است. اما در اینجا ما به متغیرهای

کلان اقتصادی - اجتماعی حاکم و یا مؤثر بر کارخانه توجه نموده‌ایم. از دیگر اهداف این تحقیق این است که ضمن بررسی این پدیده مهم تعارض آمیز و تجزیه و تحلیل آن در روابط صنعتی، مدیران و مسئولان بخش صنعت نیز با مسایل اجتماعی کارگران صنعتی آشنایی عمیق‌تری پیدا کنند.

این تحقیق فاقد نمونه‌گیری بوده است و کلیه اعتصابات که در طی دوره ۵ ساله مورد بررسی در کارخانجات شهر تهران و اطراف آن به وقوع پیوسته است، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. روش تحقیق به صورت پیمایشی (Survey) بوده و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات «پرسشنامه معکوس» بوده که بر اساس اسناد و مدارک موجود در مراکز صنعتی کشور، اطلاعات لازم جمع‌آوری شده است. واحد مشاهده در این تحقیق کارخانه (کارخانه‌ای که در آن اعتصاب رخ داده است) می‌باشد و فرضیه اصلی تحقیق آن است که شدت اعتصاب در کارخانجاتی که سیاست‌های اقتصادی دولت در آن اعمال شده است، بیشتر بوده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از برنامه کامپیوتری SPSS روش‌های تحلیل رگرسیونی و نیز تحلیل واریا بهره گرفته شده است. متغیرهای مهم این تحقیق عبارتند از: ۱- شدت اعتصاب (به عنوان متغیر وابسته) شدت اعتصاب به وسیله پنج شاخص سنجیده شده است: ۱- طول مدت توقف کار بر حسب ساعت، ۲- نسبت کارگران اعتصابی نسبت به کل کارگران واحد صنعتی بر حسب نفر، ۳- اهمیت محصولات کارخانه (تولید ضروری، متوسط و لوکس)، ۴- مکان اعتصاب (در داخل شهر تهران، در مجاورت با کارخانه مشابه، در محورها و مراکز صنعتی و جدا و منفرد تا شعاع ۵ کیلومتری) ۵- میزان خشونت بکار رفته در اعتصاب.

انواع رفتارهای خشونت آمیز در یک اعتصاب شامل شعاردهی، تظاهرات داخل و بیرون از کارخانه، ضرب و شتم و گروگان‌گیری مدیران، خرابکاری و یا ترکیبی مختلف از انواع حالات فوق می‌باشد.

۲- الگوی مالکیت کارخانه (متغیر مستقل)

۳- نرخ تورم (متغیر مستقل)

۴- علت اعتصاب (متغیر مستقل)

۵- نرخ ارزش افزوده (متغیر مستقل)

۶- رشته صنعتی کارخانه (متغیر مستقل)

۷- سیاست‌های اقتصادی دولت (متغیر مستقل)

منظور از طرح این متغیر بررسی تأثیر آن دسته از تصمیمات اقتصادی - اجتماعی است که دولت طی چند ساله اخیر و برای خروج از شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی اتخاذ نموده است. بدیهی است که پاره‌ای از این تصمیمات بر بخش صنعت تأثیر می‌گذارد و در چارچوب «تئوری توسعه و بحران» می‌توان گفت میزان تأثیر این تصمیمات بر اعتصابات قابل بررسی است. اهم این سیاست‌ها عبارتند از: برداشتن و حذف تسهیلات مالی دولت از کارخانه (حذف سوبسید)، برداشتن و حذف تسهیلات مربوط به مواد اولیه و حمایت‌ها ارزی از کارخانه، تک نرخی شدن ارز، توسعه واردات و جایگزینی صادرات، تغییر مالکیت کارخانه و تعدیل نیروی انسانی، که بر حسب تأثیر وعدم تأثیر هر کدام از سیاست‌ها در کارخانجات این متغیرها اندازه‌گیری می‌شود.

بیان و تحلیل داده‌ها

۱۵/۳٪ اعتصابات در سال ۶۸ ۶/۲٪ در سال ۶۹ ۴۰٪ در سال ۷۰، ۲۶/۲٪ در سال ۷۱ و ۱۱٪ در سال ۷۲ به وقوع پیوسته‌اند. بیشترین اعتصابات در ماه‌های نخست و پایان سال و نیز در تیرماه هر

چسبالات اتفاق افتاده‌اند، که علل آن به ترتیب عبارتند از: شروع تعطیلات تابستانی و مشکل مربوط به پرداخت مزایا و سود کارخانه و مشکلات مالی پایان سال. ۷۳٪ اعتصابات در محیط‌هایی رخ داده‌اند که سابقه قبلی اعتصاب داشته‌اند به عبارتی می‌توان به نوعی همبستگی تضاد در محیط‌های صنعتی «قاتل بید» اشاره کرد.

بیشترین فراوانی اعتصابات در صنایع ماشین آلات و لوازم خانگی (۲۳٪) و پس از آن صنایع نساجی بوده است. این امر حاکی از آن است که فراوانی اعتصابات در صنایع بیشتر است که در اثر سیاست‌های جدید دولت دچار مخاطرات جدی در حوزه امور اقتصادی، مالی و فروش خود شده‌اند. همچنین سابقه طولانی فعالیت (حداقل ۲ دهه) در این صنایع نشان‌دهنده تأثیر میزان عمر کارخانه بر ایجاد و تثبیت الگوهای رفتاری تعارضی در صنعت می‌باشد.

جدول فراوانی برکتگی اعتصابات بر حسب رشته صنعتی کارخانه

ماشین آلات و لوازم خانگی	۲۳-۱۸
نساجی	۲۲-۱۶
کانی غیر فلزی و ساختمان	۲۱-۱۵
مواد غذایی	۲۰-۱۴
شیمیایی و دارویی	۲۰-۱۴
فلزات اساسی	۲۰-۱۴
کاغذ و چوب	۲۰-۱۴
متفرقه	۲۱-۱۵
جمع	۲۱-۱۰

۴۹٪ اعتصابات در صنایع مصرفی، ۱۱/۵٪ در صنایع سرمایه‌ای، ۱۵/۴٪ واسطه‌ای غیرصنعتی و ۱۴٪ در صنایع واسطه‌ای غیرصنعتی رخ داده‌اند. همچنین ۶۴٪ اعتصابات در صنایع با اهمیت متوسط، ۱۸٪ در صنایع ضروری و راهبردی (استراتژیک) و ۸٪ در بخش کالاهای لوکس و غیر ضروری بوده‌اند. از نظر الگوی مالکیت مشخص شد که ۳۸٪ اعتصابات در کارخانجات تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران، ۲۳٪ در بنیادها، ۱۹٪ در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، ۸٪ در بانک‌ها، ۴/۶٪ نیز در سایر انواع مالکیت و

۸٪ مشخص بوده‌اند یک شاخص مهم دیگر در این تحقیق نرخ تورم بوده است که در سال‌های مورد بررسی به ترتیب ۲۹٪، ۱۷/۴٪، ۹٪، ۱۹/۶٪ و ۲۱/۵٪ بوده‌اند. میزان تأثیر و شدت سیاست‌های اقتصادی دولت نیز در پیوستاری از ۴ تا ۱۲ مورد بررسی قرار گرفت.

علل اعتصاب‌ها بسیار متنوع‌اند. حدود ۴۰ مورد از آن‌ها در این پژوهش شمارش و برآورد شده‌اند که تفصیل آن در جدول زیر آمده است:

جدول فراوانی اعتصابات بر حسب علت

علت	فراوانی
افزایش مزد	۲۷/۶۱
زمان پرداخت مزد	۲۳/۸
نوعه پرداخت مزد	۰
تفاوت در پرداخت مزد	۲۷
عدم پرداخت پاداش و عیدی	۲۳/۸
تأخیر در پرداخت پاداش و عیدی	۲۷
کیفیت پرداخت پاداش و عیدی	۰
زمان پرداخت پاداش و عیدی	۰
عدم پرداخت حق بهره‌وری و سود سالانه	۲۹/۱
تأخیر در پرداخت حق بهره‌وری و سود سالانه	۲۱/۵۲
زمان پرداخت حق بهره‌وری و سود سالانه	۲۱/۵۲
سختی	۲۳/۰۵
تفاوت در پرداخت حق بهره‌وری و سود سالانه	۲۳/۰۵
ایالت و شعب	۲۲/۲۹
یون‌فنا و لیسانس	۲۳/۰۵
تأمین اجتماعی	۲۳/۰۵
بیمه	۲۷
هدایت کار	۲۲/۲۹
ساعت کار	۲۳/۰۵
اجرای تعطیل نیرو	۲۳/۰۵
نوعه تعدیل نیرو	۲/۰۵
طرح طبقه‌بندی	۲۱/۰۶
عدم اجرای قانون کار	۲۷
حمایت از شور و عهده کارگر	۲/۰۵
حمایت از انجمن و بیج	۲۷
مخالفت با شورا	۰
مخالفت با انجمن و بیج	۲۱/۵۲
عدم رعایت روابط انسانی	۲۸/۳۹

اعتصابات از سوی مدیر	۲۱/۵۱
مدیریت جدید	۲۷
تجمل‌گرایی مدیر	۲۷
سوءمدیریت	۲۵/۳
جنگ‌گیری از تعطیل	۱/۵۲
اعتراض به اجرای طرح مهاجرت	۰
جنگ‌بندی‌ها و درگیری‌های مدیریت با تشکل	۲۴/۵۸
مسائل بیرونی کارخانه	۲۷
جمع کل	۲۱۰۰

جدول فراوانی علل اعتصاب (جمع‌بندی علل مشابه)

علت	فراوانی
علل مالی	۲۲۹
علل خاص شغلی	۲۰/۱۶
مربوط به مدیریت	۲۱۹
مربوط به تشکل‌ها	۲۱۰/۱۶
تعدیل نیرو	۲۶/۱
طرح طبقه‌بندی	۲۱۰/۱۶
قانون کار	۲۷
مسائل بیرونی کارخانه	۲۳
جمع کل	۲۱۰۰

«شدت اعتصاب» متغییری است که از ترکیب ۵ شاخص جزئی‌تر بدست آمده است. اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد ۶۰٪ از اعتصابات کارگری فاقد هرگونه رفتار خشونت‌آمیز بوده است. ۹٪ اعتصابات توأم با شعاردهی بوده است. از نظر زمانی تعداد ساعات کار تلف شده در جدول زیر آمده است:

جدول توزیع فراوانی اعتصابات بر حسب مدت

مدت اعتصاب	میزان
۱ تا ۴ ساعت	۲۲۲/۱
۵ تا ۸ ساعت	۲۲۵
۹ تا ۱۶ ساعت	۲۹/۱
۱۷ تا ۲۸ ساعت	۲۱۶/۵
۲۹ ساعت به بالا	۲۳
نامشخص	۲۳/۸
جمع کل	۲۱۰۰

به این ترتیب مشخص می‌شود که اکثریت عمده

اعتصاب‌ها به مدت کمتر از یک روز طول کشیده‌اند.

دامنه پراکندگی متغیر شدت اعتصاب بین ۵ تا ۱۹ بوده است، ولی عمدتاً شدت اعتصاب بین ۷ تا ۱۶ قرار داشته‌اند.

جدول توزیع فراوانی شدت اعتصاب

در صد فراوانی	حالت	نرخ شدت
۳۰/۲٪	کم شدت	۵-۹
۴۵٪	شدت متوسط	۱۰-۱۴
۴/۵٪	خیلی شدید	۱۵-۱۹
۱۹/۷٪	—	بی جواب

بیشترین شدت اعتصاب در حالت شماره ۱۰ قرار دارد و هر چه شدت اعتصاب کمتر یا بیشتر از ۱۰ می‌شود تقریباً تعداد اعتصابات کمتر می‌شود.

در ادامه بحث به رابطه بین متغیرهای اصلی تحقیق اشاره می‌شود.

ضریب همبستگی بین علت اعتصاب و شدت آن ۳۰٪ می‌باشد. به این معنی که هر چه از علت ۸ (به مقولات هشتگانه علت مراجعه شود) به سوی علل نوع اول (نهایتاً علل مالی) حرکت کنیم شدت اعتصاب بیشتر و بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، هر چه مدت اعتصاب از حالت‌های غیر مالی به مالی تبدیل شود، اعتصاب شدیدتر خواهد بود. متغیر رشته صنعتی کارخانه نیز در حدود ۳۰٪ از شدت اعتصاب را توضیح می‌دهد و آن را تبیین می‌کند و با تشخیص نوع رشته صنعتی پیش بینی شدت اعتصاب ممکن است. با این وجود جهت و میزان تأثیر آن تا حد زیادی تابع سیاست‌های اقتصادی است. در کارخانه‌هایی که سیاست‌های اقتصادی اعمال شده‌اند، بیشترین شدت اعتصاب در صنایع لوازم خانگی رخ داده است و در جایی که سیاست‌ها عمل نکرده و تأثیر نگذاشته باشند، بیشترین شدت در صنایع نساجی است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اعتصابات در صنایع نساجی به طور سنتی شدید هستند و ربطی به سیاست‌های جدید دولت ندارند. به همین ترتیب، وقتی که سیاست‌ها تأثیر می‌گذارند، شدت اعتصاب‌ها را در صنایع نساجی کاهش و در لوازم خانگی افزایش می‌دهند. به طور کلی، به نظر می‌رسد هر رشته صنعتی به سبب

مسائل خاص خود از شدت ویژه‌ای از اعتصاب برخوردار باشد. در صنایع نساجی علت شدت گرفتن بحران‌های صنعتی، علاوه بر فن‌آوری پایین، کیفیت نازل و توسعه واردات تولیدات نساجی خارج از کشور، بوده است. همچنین در صنایع لوازم خانگی، وابستگی شدید ارزی و توسعه واردات و در صنایع خودروسازی وابستگی ارزی، تغییرات نرخ ارز و پایین بودن قدرت خرید در ایجاد بحران تأثیر گذاشته‌اند. در مقابل، در صنایع غذایی و شیمیایی، به دلیل وجود مواد اولیه در داخل کشور، مشکلات خاصی وجود نداشته است.

نوع مالکیت، به تنهایی، در حدود ۳۱٪ از شدت اعتصابات را توضیح می‌دهد. در این تحقیق ثابت شد که اعتصاب در صنایع تحت پوشش سازمان‌های صنعتی و نیز بنیادها، نسبت به صنایع تحت پوشش بانک‌ها شدت بیشتری داشته‌اند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، ثابت شد که متغیرهای کلان اقتصادی (نظیر نرخ تورم) تأثیر جدی و مشخصی بر شدت و بروز اعتصاب نداشته‌اند. نکته بسیار مهم، تأثیر نرخ روز ارزش افزوده در هر رشته صنعتی بر روی شدت اعتصاب بوده است. به این معنی که هر جا شرایط مالی و اقتصادی کارخانه در وضعیت مناسبی قرار داشته است، شدت اعتصاب نیز کمتر بوده است. همچنین در این شرایط علل مالی کمتر علت اعتصاب بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

در کل این نتیجه به دست آمده است که تأثیر سیاست‌های اقتصادی جدید دولت، شاید، کارخانه را دچار بحران اقتصادی نماید، اما لزوماً باعث اعتصاب نمی‌شود؛ زیرا در پارهای از صنایع، به سبب توانایی مدیریت‌های واحدهای صنعتی و نیز وجود پشتیبانی قوی و قابل اتکاء مالی و اقتصادی منابع لازم برای پذیرش سیاست‌ها به وجود آمده است.

همچنین در بررسی شدت اعتصاب لازم است علاوه بر متغیرهای کلان در سطح سیستم (کارخانه) به متغیرهای درون سیستمی دیگر نیز توجه شود؛ زیرا با توجه به خصوصیات فرهنگی و

اجتماعی جامعه و الگوها و هنجارهای حاکم بر آن، متغیرهای روان‌شناسی اجتماعی بیشتر می‌تواند کیفیت رفتارهای اعتصابی را توضیح دهد. شاید این بدان سبب است که افراد جامعه ما هنوز احساس تعلق اجتماعی قوی، نسبت به کل جامعه و رفتارهای جمعی پیدا نکرده‌اند تا بتوانیم، با استمداد از این متغیرهای کلان اجتماعی آن‌ها را توضیح دهیم. البته این ادعا به معنی پذیرش کامل متغیرهای روانی در سطح فرد برای بررسی پدیده‌های اجتماعی نبوده و نیست. کوتاه سخن آن‌که در این‌گونه بررسی‌ها تکیه و استفاده از متغیرهای درون سیستمی، بهره‌ بیشتری را می‌رسانند. در صورت تمایل محققین دیگر، برای بررسی مسأله اعتصاب، شایسته است که به متغیرهایی نظیر «مدیریت و کیفیات مرتبط با آن» توجه بیشتری شود. مدیریت، هر چند نوعی رابطه قوی با نوع مالکیت دولتی کارخانه دارد (که در این جا به بررسی آن پرداختیم) اما کیفیت‌هایی از آن، نظیر تخصص مدیریت کارخانه، کفایت و کارایی آن در برقراری روابط انسانی، میزان توانایی آن در تحدید بحران‌هایی نظیر اعتصاب و رویه مدیریت در برخورد با تعارضات سازمانی، در بررسی پدیده اعتصاب، بسیار مهم است. همچنین استفاده از متغیرهایی که میزان اطلاعات و آگاهی‌های کارگران را بیان می‌کند، در بررسی اعتصاب قابل توجه است. این نکته با این فرض می‌تواند مطرح باشد که هر چه نرخ آگاهی و اطلاعات کارگران بیشتر باشد، میزان رشد اعتصاب نیز کاهش می‌یابد. زیرا کارگران از روش‌هایی غیر از اعتصابات یا سایر رفتارهای خشونت‌آمیز برای ابراز نیازها، خواسته‌ها، تقاضاها و نارضایتی‌های خود استفاده می‌کنند. یک شاخص قابل استفاده در این مورد، می‌تواند، مدرک تحصیلی کارگران کارخانه باشد که البته علی‌رغم تلاشی که در این زمینه انجام شد، موفق به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آن نشدیم. در این مورد می‌توان از شاخص‌هایی مثل میزان اطلاعات و آگاهی عمومی، میزان مطالعه و مقوله‌های مشابهی استفاده کرد. یکی دیگر از متغیرهای درون سیستمی قابل ملاحظه که از روش‌های سنجش

saicogy and economic crisis, Harvester, 1991,

P: 133

۳- ورسلی، پیتر: جامعه شناسی مدرن، جلد دوم،

حسن پویان، چاپخس، تهران ۱۳۷۲، ص ۹۲-۴۰

۳- آریانی، دکتر هوشنگ: تحول و نقش

اتحادیه های کارگری در انگلستان، دانشگاه تهران،

۱۳۵۴، صص ۵-۳۹۱

5- Eldridge, Ibid, P:105

6- Ibid, PP. 127-179

7- Frauzosi, Roberto, Stnk elata in search of

a thuory, the Italian Cases in the postwar

period politics and socity, V 17, P:433.27.

8- Ridker, Ronald. Discontent and economic

Growth, economic development and culturat

change, VXi, No 1 october 19621

تعیل و گرایش قابل دستیابی است. مطالعه

میزان نارضایتی کارگران از شرایط موجود است. هر

چه نارضایتی کارگران بیشتر باشد شدت و نرخ

اعتصاب افزایش می یابد به نظر می آید این

نارضایتی می بایستی نسبت به سه نظام مزد و

حقوق، توزیع یادتش ها و تسهیلات و مدیریت

سنجیده شود علاوه بر این موارد بایستی با

بهره گیری از روش های تحقیق متناسب برخی

رفتارهای سازمانی کارگران سنجیده شود از اهم

این رفتارها مسأله مقاومت یا انطاف کارگران در

برخورد با تغییرات است منظور از طرح این مسأله

آن است که اعتصاب می تواند نتیجه ای از

مقاومت های منفی کارگران در مقابل شرایط متغیر

سازمانی، تشکیلاتی، مدیریتی، اقتصادی و نیروی

انسانی باشد که در کارخانه رخ می دهد (نظیر تغییر

مدیریت ها، اجرای قانون کار، اعمال طرح تعدیل

بر این اساس باید توجه داشت کارگران در

مقابل تغییرات فوق چه نظری دارند. از عوامل دیگر

قابل توجه در بررسی شدت اعتصاب و وقوع آن

می تواند این باشد که کارخانه ای که در معرض

سیاست های اقتصادی جدید قرار دارد از چه منابع

بالقوه و بالفعل مالی، اقتصادی و روانی برای هزینه

کردن در مقابل سیاست ها برخوردار است. بدیهی

است هر چه این منابع بیشتر و کاملتر باشند،

اثرگذاری سیاست ها در کارخانه نیز کاهش

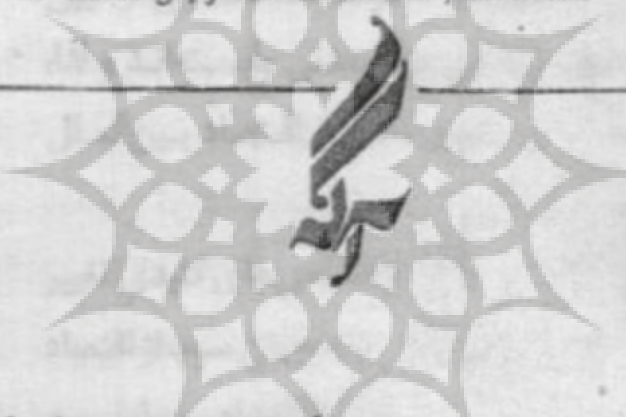
می یابد. ■

پانویست ها

۱- زاهدی، شمس السادات: روابط صنعتی، مرکز

نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹، ص ۲۷

2- Eldridge, john and others, Industrial



منتشر می کند:

متر کرده است:

تاریخ نیشابور

نوشته ابو عبدالله حاکم نیشابوری (۳۲۱ هـ ق)

ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری

مقدمه و تعلیقات از

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

آفرینش و تاریخ

نوشته مطهرین طاهر مقدسی

مقدمه، ترجمه و تعلیقات از

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

تاریخ هنر مدرن

نقاشی، پیکره سازی و معماری در قرن بیستم

نوشته ه. ا. آرتاسون

ترجمه مصطفی اسلامی

مبانی فلسفه

آشنایی با فلسفه جهان از زمانهای قدیم تا امروز

نوشته دکتر آصفه آصفی

ادبیات و سنت های کلاسیک، (تأثیر یونان و روم بر ادبیات غرب)، در

دو جلد، نوشته گیلبرت هایت، ترجمه محمد کلباسی و مهین دانشور

چشم انداز ستونبیمالیسم مدرن، آدام شاف، ترجمه فریدون نوائی

منشأ عالم، حیات، انسان و زبان، ترجمه جلال الدین رفیع فر

آنتیگون، سوفوکل، ترجمه نجف دریابندری

یاد بهار، (یادنامه دکتر مهرداد بهار)، مجموعه مقالات، گروه نویسندگان

تکوین دولت مدرن، نوشته جانفرانکو پوجی، ترجمه بهزاد باشی

مبانی بازارها و نهادهای مالی، فیوزی / مودیلیانی، ترجمه حسین عبده

نه مقاله درباره دانتته، نوشته بورخس، ترجمه کاوه سیدحسینی و رادنژاد

قانون خفوارایی، (ترجمه از متن میخی)، دکتر عبدالمجید ارفعی

تبارشناسی اخلاق، نوشته فریدریش نیچه، ترجمه داریوش آشوری

زبانشناسی اجتماعی، (درامدی بر زبان و جامعه) ترجمه محمد طباطبایی

روش های تحقیق در علوم رفتاری، تألیف سرمد، بازرگان، و حجازی

اوج های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی

جنگ آخرالزمان، نوشته ماریو بارگاس یوسا، ترجمه عبدالله کوثری

زندگی با پیکاسو، نوشته فرانسوا ژیلو، ترجمه لیلی گلستان

بررسی یک پرونده قتل، زیر نظر میشل فوکو، ترجمه مرتضی کلانتریان

منش فرد و ساختار اجتماعی، (روانشناسی نهادهای اجتماعی)

ترجمه اکبر افسری

پیرامون زبان و زبانشناسی، (مجموعه مقالات) نوشته محمدرضا باطنی

خواب، نوشته یان اوزوالد، ترجمه دکتر محمدرضا باطنی

مغز و رفتار، نوشته کمپل / سینگر، ترجمه دکتر محمدرضا باطنی